

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال بر «سیره عقلاء بر حق التألیف»

عرض کردیم که اگر در استدلال به سیره عقلاء برای این حقوق جدید التأسيس، مثل «حق التألیف» و «حق اختراع»، اینگونه بیان شود که سیره عقلائییه بر اعتبار و لزوم رعایت این حقوق است، یعنی سیره عقلائییه بر این باشد که این حقوق علاوه بر اینکه ثابت است لزوم رعایت هم دارد، قابلیت نقل و انتقال نیز دارد و به ارث هم رسیده میشود لذا اگر کسی آنها از بین ببرد ضامن است؛ عرض کردیم که مهمترین اشکالی که مطرح می شود این است که سیره عقلائییه باید مورد امضاء یا لااقل عدم ردع شارع واقع شود، در حالی که این سیره در زمان شارع نبوده تا مورد امضاء یا عدم ردع قرار گیرد.

جواب اول از اشکال و نقد آن

عرض شد که برای جواب از این اشکال يك راه این است که بگوییم گرچه شارع در زمان این سیره نبوده لکن در زمان خودش آن اموری که مربوط به عقلاء بما هم عقلاست را پذیرفته، یعنی ارتکازات عقلاء بما هم عقلاء را در جمیع الأزمنه پذیرفته است.

البته گفتیم که این راه اشکال دارد و اشکالاتش را هم بیان کردیم.

جواب دوم

راه حل دوم این است که اصلاً با مبنا مخالفت کنیم و بگوییم فرقی نمی کند که سیره عقلائییه در زمان شارع باشد یا جدید باشد، بلکه از آنجا که اسلام يك دین ابدی است و شارع مقدس علم داشته که تا يوم القيامة چه سیره هایی در بین عقلاء حادث می شود، اگر مخالف بوده باید با يك بیان کلی یا اطلاق و یا اموری دیگر این مخالفت را افاده می کرد، تا از آن اطلاق و عموم، ردع سیره های مستحدثه فهمیده شود.

نمی توان گفت شارع نسبت به سیره های مستحدثه يك موضع مهملی داشته که نه نفي کرده و نه تأیید کرده. بنابراین بگوییم سیره های جدید اگر در زمان شارع با اطلاق یا عمومی مورد ردع و منع واقع نشده این هم مورد قبول است و اشکالی ندارد. غالب فقهاء و اصولیین مخالف با این مبنا هستند، و فرموده اند که ما سیره های در زمان پیامبر(ص) و ائمه(ع) را که مورد امضاء یا عدم ردع واقع شده معتبر می دانیم، اما بعد از زمان شارع، هر سیره دیگری که محقق شود دیگر اعتباری ندارد.

نظریه مرحوم امام(ره)

در مقابل، برخی قایل هستند که طبق ملاك «ابدیت و جامعیت دین»، شارع باید تکلیف این سیره‌های مستحدثه را روشن کرده باشد؛ که امام(رضوان الله علیه) از کسانی هستند که با این بیان، سیره‌های مستحدثه را هم معتبر می‌دانند. ایشان در کتاب اجتهاد و تقلید، ص 81 می‌فرماید - ایشان کتابی دارند بنام الرسائل، که یک رساله آن در بحث اجتهاد و تقلید است که دفتر نشر آثار امام(ره) آنرا بصورت مستقل نیز چاپ کرده است - مهمترین دلیل جواز و مشروعیت تقلید، رجوع جاهل به عالم است و دلیل این مسأله را نیز همین سیره عقلاء قرار داده‌اند.

آنجا هم اشکال کرده‌اند که رجوع جاهل به عالم در باب احکام، در زمان ائمه که مرسوم نبوده که ائمه بخواهند تأیید کنند. برای جواب از این اشکال اینطور فرموده‌اند: «ضرورة ان ارتكازية رجوع الجاهل في كل شيء الى عالمه معلومة لكل احد» این که جاهل به عالم در هر علمی مراجعه می‌کند این برای همه معلوم است، «و ان الائمة(ع) قد علموا بأن علماء الشيعة في زمان الغيبة و حرمانهم عن الوصول الى الامام لا محيص لهم من الرجوع الى كتب الاخبار و الاصول و الجوامع كما أخبروا بذلك» و ائمه(ع) هم می‌دانستند که در زمان غیبت، علماء امامیه باید به همین کتب روایی و کتبی که اخبار و آثار در وجود دارد مراجعه کنند «و لا محالة يرجعوا عوام الشيعة الى علمائهم بحسب الارتكاز و بناء العقلاني المعلوم لكل أحد» - به حسب ارتکاز و بنای عقلانی، شیعه هم باید به علمایشان رجوع کنند «فلولا ارتضائهم بذلك لكان عليهم الردع» اگر ائمه(ع) می‌دانستند که در زمان غیبت، شیعیان - از باب رجوع جاهل به عالم - در مسائل شرعی به علماء رجوع می‌کنند و این مسأله طبقاً لارتکاز العقلاء و سیره العقلاء يك امر مسلمی هم هست، اگر واقعاً مورد رضایتشان نبود و قبول نداشتند باید در همان زمان، نهی و ردع می‌کردند «اذ لا فرق بين السيرة المتصلة إلی زمانهم و غيرها» چرا که بین سیره متصل به زمان معصومین(ع) و غیر آن سیره، فرقی وجود ندارد «مما علموا و أخبروا بوقوع الناس فيه» از آن سیره‌های که علم داشتند و خبر دادند که مردم در آن واقع می‌شوند «فانهم أخبروا عن وقوع الغيبة الطويلة و ان كفيل إيتام آل محمد(ص) علمائهم» ائمه(ع) می‌دانستند که يك غیبت طولانی واقع می‌شود و علماء عهده دار مردم شیعه هستند و به آن خبر داده‌اند «و انه سيأتي زمان هرج و مرج يحتاج العلماء الى كتب اصحابهم» .

بررسی فرمایش مرحوم امام(رض) و احتمالات در آن

ظاهر این بیان امام(رضوان الله علیه) این است که در حجیت سیره؛ اتصال به زمان امام معصوم(ع) و وقوع در زمان معصوم(ع) شرط نیست، بلکه سیره‌های حادثه هم همین حکم را دارد. البته شاید بتوان گفت که در این تعبیر امام(ره) دو احتمال وجود دارد؛

احتمال اول اینکه نظر شریفشان این باشد که چون اسلام يك دين جامع است و پیامبر(ص) و ائمه(ع) عالم به غیب و عالم به مستقبل بوده‌اند و چون فرموده‌اند «ما من شيء يقربكم الى الجنة الا أمرتكم به و ما من شيء يبعدكم عن النار الا نهيتكم عنه»؛ اگر بدانند در يك زمانی يك سیره‌ای واقع می‌شود که مورد قبول دین نیست، باید منع می‌کردند، و از آنجا که منع نکردند، سکوت و عدم ردع در آن زمان را دلیل بر تأیید سیره عقلائیه هزار سال آینده می‌گیرند. که نظر شریف امام این است که سیره بصورت مطلق معتبر است.

احتمال دوم؛ نسبت به تعبیر «مما علموا و أخبروا بوقوع الناس فيه» است، که بگوییم حجیت سیره فقط در مواردی است که خودشان اخبار کردند که مردم در آن واقع می‌شوند، مثلاً خودشان اخبار کردند که زمانی می‌آید که امام زمان(ع) غیبت طولانی مدت دارد، در این زمان هم لازم‌هاش این است که وقتی دست مردم از امام(ع) کوتاه است از علماء پیروی کنند. که مقصود

امام (رضوان الله عليه) حجیت همه سیره‌های مستحدثه نیست، بلکه «مما علموا و أخبروا بوقوع الناس فيه» است. این دو احتمال.

نظر استاد

به نظر ما آنچه که از کلام امام (ره) می‌توان استفاده کرد؛ همان احتمال اول است. یعنی «أخبروا بوقوع الناس فيه» در استدلال و نظر امام (ره) نقشی ندارد. آنچه که در نظر ایشان نقش دارد این است که اسلام يك دين كامل است و پیامبر (ص) و ائمه (ع) تمام آنچه را که موجب قرب به جنت و بعد از نار است بیان فرموده‌اند.

اگر اینها می‌دانستند که مؤمنین در يك زمانی گرفتار سیره‌ای می‌شوند که مورد پذیرش دین نیست، باید در همان زمان یک عبارت کلی بیان می‌کردند که ما بتوانیم از آن، منع این سیره را استفاده کنیم. مثلاً بعنوان مثال؛ ما در باب ربا می‌گوییم «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» خداوند متعال ربا را حرام کرده است. این کلام اطلاق دارد، ربا بین هر کسی که می‌خواهد باشد، چه بین دو فرد باشد که بگوید من به تو هزار تومان پول می‌دهم، بعد از يك ماه دیگر هزار و دویست تومان باید به من بدهی، یا اینکه يك طرفش دولت و بانک باشد – الان در زمان ما غالب مواردی که يتوهم فيه الربا، يك طرفش دولت است، یعنی بانک‌های دولتی که وام می‌دهند و بعد اضافی می‌گیرند –.

بعضی احتمال داده‌اند که آن ربایی که اسلام حرام کرده، ربای بین دو شخص است، اما اگر دولت بخواهد ربا بدهد یا بگیرد این حرام نیست. عرض ما این است که پس شما با اطلاق «حَرَّمَ الرِّبَا» چه می‌کنید که ربا را بصورت مطلق الی يوم القيامة حرام کرده است؟ یا مثلاً بعضی می‌گویند آن ربایی که حرام بوده ربای استثماری بوده؛ یعنی يك شخص درمانده ای به هزار تومان نیاز داشته که آنرا صرف زندگی یا اولاد یا مریضی و... کند، حالا بعد هم که می‌خواهد تحویل صاحبش بدهد باید هزار و دویست تومان بدهد، این يك نوع استثمار است.

اما اگر کسی هزار تومان قرض گرفت و با آن يك کار تولیدی انجام داد که خودش هزار و پانصد تومان بدست آورد، حالا می‌گویند هزار و دویست تومان به مالک برگرداند، چه اشکالی دارد؟ می‌گوییم تمام اینها با اطلاق «حَرَّمَ الرِّبَا» منافات دارد. يك وقتی به یکی از کسانی که می‌فرمود ربای بین دولت و مردم اشکال ندارد، و این «حَرَّمَ الرِّبَا»، فقط ربای بین اشخاص است، گفتم اگر مراد از آن ربای بین اشخاص است، پس «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» هم بین اشخاص است، و اگر دولت یا بانک چیزی به شما فروخت و شما خریدید، باید گفت «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» شاملش نمی‌شود. و حال آنکه هیچ فقیهی ملتزم به این حرف نمی‌شود که «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» یعنی بین اشخاص مراد باشد. بلکه او اطلاق دارد □ «حَرَّمَ الرِّبَا» هم اطلاق دارد و همه اینها را الی يوم القيامة می‌گیرد. اگر واقعاً يك سیره عقلائی که بعداً می‌خواهد حادث شود مورد نظر شارع نباشد باید رد می‌کرد.

اشکال بر نظریه امام (ره) و جواب آن

نسبت به فرمایش امام (ره) اولین اشکالی که به ذهن می‌رسد این است که ممکن است عمومات و اطلاقاتی که بتواند رادع این سیره جدید باشد از شرع صادر شده باشد و به ما نرسیده باشد، ما که نمی‌توانیم بگوییم هرچه از شرع صادر شده است به ما رسیده است، شاید نسبت به این سیره جدید ردعی صادر شده و به ما نرسیده است.

جواب این اشکال ساده است؛ که مجرد صدور کافی نیست بلکه ردع زمانی بدرد می‌خورد که بم يك مطلبی است که در خیلی از

مسائل مستحدثه امروز مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر فقیهی بگوید نسبت به حجیت سیره جدیده ما رسیده باشد. این مطلبی که از امام(ره) خواندی، اگر همین مقدار از قرآن و سنت که دست ماست را ملاحظه کردیم و ردعی برای آن نیافتیم کافی است، خیلی مسیر فقه عوض می‌شود و اگر گفتیم این مقدار برای حجیت سیره کافی نیست باز يك مسیر دیگری پیدا می‌کند.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.